



ناپدید شدن هلنا سادات



یکی دیگر از کودکانی که خبر مفقودی اش منتشر شد، هلنا سادات احمدی اهل اصفهان بود که ۱۰ خردادماه امسال خبر گم شدنش در فضای مجازی پیچید. آن روز هلنا با خانواده برای تفریح به پارک نازوان رفته بود که برای دقایقی از خانواده دور شد تا هیزم جمع کند. با طولانی شدن زمان بازگشت او، جست و جو برای یافتن آغاز شد، اما وقتی خانواده هیچ ردی از او پیدا نکرد از پلیس کمک خواست، اما فایده‌ای نداشت. آنها این بار عکس‌های هلنا را در فضای مجازی منتشر کردند و از مردم برای یافتن او کمک خواستند که باز هم بی نتیجه بود. درحالی که جست و جوها ادامه داشت، بحث آدم ربایی مطرح شد و تنها مظنون پرونده هم کسی نبود جز یکی از بستگان هلنا که از مدتی پیش با خانواده او درگیر اختلاف شده و بارها آنها را تهدید کرده بود. این مرد دستگیر شد اما منکر اطلاع از سرنوشت دختر بچه شد.

کودکان را بررسی کردیم

بچه‌های ۱۴۰۳



کشف جسد دختر ۳/۵ ساله در کرمان

شهریور ۱۴۰۳ خبر مفقود شدن دختر بچه سه و نیم ساله‌ای در شهرستان ریگان استان کرمان، لرزه به اندام بسیاری از خانواده‌هایی انداخت که خود کودک داشتند و می دانستند والدین این دختر بچه متحمل چه رنج و دردی می شوند. روز حادثه، خانواده این دختر بچه برای انجام کارهای کشاورزی به باغ رفته بودند و این کودک برای بازی با دو کودک همسن و سال خود نزدیک رودخانه رفت. آن دو کودک که از او بزرگتر بودند به خانه برگشتند، اما از دختر بچه خبری نبود. آنها مدتی اطراف رودخانه و روستا را جست و جو کردند، اما وقتی نتیجه نگرفتند با بخشداری رحمت آباد تماس گرفتند و اعلام کردند دختر بچه‌ای در روستای اکبر آباد ده رضا مفقود شده است. با اعلام خبر، خیلی زود هلال احمر شهرستان ریگان و نیروهای امداد و نجات جمعیت هلال احمر فهرج، ریگان، نورماشیر و همچنین سه قلاده سگ زنده یاب به منطقه اعزام شدند و جست و جوها ادامه داشت تا این که پس از ۲۴ ساعت با کمک یکی از اهالی، جسد بی جان دختر بچه پیدا شد. پس از بررسی ها مشخص شد این دختر بچه پس از حدود ۲۰ کیلومتر پیاده روی، در نتیجه گرما و طوفان و در همان روز اول مفقودی جان خود را از دست داده است.



مفقودی و مرگ مجیب ۱۲ ساله

مهرماه امسال نیز کودک دیگری به نام مجیب ۹ ساله اهل نیکشهر استان سیستان و بلوچستان مفقود شد. خبر مفقودی او را معلم مدرسه مجیب در تماس با اهالی روستای محل زندگی این دانش آموز اعلام کرد. به گفته معلم، آنها پس از تمام شدن کلاس ها برای چیدن خرما و وحشی و کنار به کوه های اطراف روستا رفته بودند، اما ساعاتی بعد متوجه غیبت مجیب شدند. با آغاز جست و جوها و نیز پیدا نشدن هیچی سرنخی از او و گذشت ۳۰ ساعت، اهالی از هلال احمر درخواست کمک کردند که پنج تیم عملیاتی جست و جوا را از نیکشهر تا منطقه تلنگ آغاز کردند. خانواده مجیب نیز پا به پای اهالی و امدادگران همه جا را دنبال مجیب گشتند، اما پس از سه روز جست و جو ناامید به روستا بازگشتند. روز چهارم معمای مفقودی مجیب حل شد و درحالی که خانواده مجیب امیدوار بودند پسرشان را زنده پیدا کنند، اما مردم محلی و نیروهای هلال احمر در ارتفاعات صخره ای جسد مجیب را پیدا کردند. بر اساس بررسی های اولیه، مجیب پس از گم کردن راه به سمت ارتفاعات صخره ای می رود اما در اثر سقوط از صخره جانش را از دست می دهد.



قتل دختر ۱۱ ساله اوتیسمی در اصفهان

دوشنبه سوم اردیبهشت خبر مفقودی دختر اصفهانی ۱۱ ساله مبتلا به اوتیسم در فضای مجازی منتشر شد. پس از اعلام خبر، کاربران زیادی تلاش های خود را برای یافتن این دختر بچه آغاز کردند. در حالی که جست و جوها برای یافتن دینا ادامه داشت، ناگهان رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان راز قتل این دختر را افشا کرد. خبری که حیرت اهالی و کاربران را به دنبال داشت. پرسش اصلی این بود که چه کسی او را به قتل رسانده است. به گفته رئیس پلیس آگاهی اصفهان، با بررسی های تخصصی کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی این استان و مواجهه با تناقض گویی های مادر این دختر بچه، پرده از راز قتل او برداشته شد. قاتل کسی نبود جز مادر دینا. او در اعترافات خود گفت: «روز حادثه دخترم را به یک باغ متروکه خارج از شهر بردم و پس از وارد کردن چند ضربه چاقو، جنازه اش را آتش زده و از محل متواری شدم و سپس با مراجعه به پلیس، مفقودی اش را اعلام اما پس از مدتی توسط پلیس دستگیر شدم.»



فرار از اسارتگاه



مفقود شدن ثنا در جنوب تهران هم آبان ماه خبرساز شد. وقتی او برای خرید خوراکی از خانه شان در خیابان شوش تهران بیرون رفت، ناپدید شد. پدر و مادر ثنا سال ها قبل از هم جدا شده بودند و پدر ثنا او را به خانه ای در محله شوش تهران برده بود. او روز حادثه و تلفنی از طریق همسر سابقش متوجه مفقود شدن ثنا شد. جست و جوها برای یافتن ثنا ادامه داشت تا این که او بعد از یک هفته به خانه برگشت. مادر ثنا بعد از فرار دخترش از اسارتگاه آدم ربایان گفت: با دخترم که حرف زدم، متوجه شدم همان روز که برای خرید خوراکی از خانه بیرون رفته، خودروی پرایدی به او نزدیک شده و مقابل پایش توقف کرده است. از سرنشینان آن که دو مرد و دو زن بودند یکی به نام فرشته از خودرو پیاده شده و نزد او آمده و گفته اگر با وی بروم، برایش خوراکی می خرد. دخترم خواست فرار کند که آن زن دست بچه ام و جلوی دهانش را می گیرد تا سروصدا نکند. بعد هم به زور او را در خودرو می اندازد و متواری می شوند. داخل خودرو چشم دخترم را می بندند و با خود به مکان نامعلومی می برند. ثنا یک روز نزد آنها بود و بعد او را به خانه ای حوالی شوش می برند و تحویل یک زن و مرد که از محل رفته اند، می دهند. التماس و گریه دخترم برای رهایی اش، بی فایده بود. آن زن و مرد که فرزندی نداشتند دخترم یک ماه نزد خود نگه می دارند. حتی چند بار هم دخترم می خواسته از خانه فرار کند که کنکش زده بودند و او تا ساعت ها گریه می کرد. روز آخر، دخترم کبریت را روی کپسول گاز می اندازد و هنگامی که آن زن و مرد مشغول خاموش کردن آتش بودند، فرار می کند.